

تأثیر مینوی و جادویی نام و کلام در یهودیت

فرزانه فیاضی^۱، حسین حیدری^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۲/۱۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۶/۳)

چکیده

تفکر جادویی همراه با تفکر جان‌پنداری (آنیمیزم) اندیشه‌ای فراگیر در میان تمام جامعه‌های آغازین بوده است و احتمالاً بشر از سپیده‌دم تاریخ با جادو آشنایی داشته است. انسان اولیه می‌پنداشت نام‌ها بخشی از هویت و وجود اوست و همیشه سعی بر پنهان‌ساختن آن داشت. در واقع، همان‌طور که فریزر می‌گوید او «پیوند ذاتی و واقعی» بین نام و خودش را باور داشت. در این پژوهش به تأثیر تکوینی، مینوی و جادویی کلمه‌های خاص و نه معادل‌ها و مفهومی‌های آن در ۳۹ کتاب عهد عتیق پرداخته می‌شود که منعکس‌کننده آیین‌ها و باورهای قوم عبرانی در بازه زمانی ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است. بنا بر مستندات مکرر کتاب مقدس، «کلمه» وظیفه اساسی را در آفرینش، نابودی و تداوم هستی بر عهده دارد. کلمه در یهودیت موجودی مشخص است که یهوه به واسطه آن جهان را آفرید. بر زبان آوردن نام یهوه جنبه تابویی دارد. خود یهوه آنچه را می‌خواست، «می‌گفت» و آن چیز آفریده می‌شد. خداوند به واسطه کلامش فرمان می‌دهد. کلمه از سوی انسان نیز اگر با الفاظ عبری و دیگر شرایط دقیق آن گفته شود، می‌تواند بر اراده متعال مؤثر واقع شود و گوینده کلمات را به خواسته‌اش برساند.

کلید واژه‌ها: کتاب مقدس، کلمه آفریننده، نیایش، یهودیت، یهوه.

۱. کارشناسی‌ارشد ادیان و فلسفه دانشگاه کاشان؛

Email: farzanehfayyazi@gmail.com

۲. دانشیار گروه ادیان و فلسفه دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)؛

Email: Heydai@kashanu.ac.ir

«من آفرینندهٔ ثمرهٔ لب‌ها هستم: بر آنانی که دورند سلامتی باد» (شعیا، ۵۷: ۱۹).

۱. جایگاه زبان در حیات انسان

چنان‌که هایدگر می‌گوید: «هستی ما زبان‌گونه است و ما فقط در زبان زندگی می‌کنیم ... جهان موضوع مستقل برای زبان نیست؛ بلکه جهان خود را در زبان عرضه می‌کند» [۳، ص ۷۸] و «آفرینش معنا در سایهٔ آفرینندگی زبان ممکن می‌شود» [همان، ص ۸۵]؛ ولی در ادوار باستان زبان و کلام جایگاه برتر و محسوس‌تری داشته است. انسان نخستین معتقد بود همان‌گونه که جادو می‌تواند بر اجزائی از بدن مانند ناخن اثر کند، بر نام نیز همان عملکرد را خواهد داشت. به همین علت از شیوه‌های متفاوتی مانند استفاده از اسم مستعار یا نام دوم برای فاش‌نشدن آن استفاده می‌کردند [۴، ص ۲۷۱]. صرف‌نظر از صحت و سقم آن، این باور و آیین‌های آن کمابیش در جوامع حاضر نیز رسوخ و حضور دارد. نام‌ها تأثیر بسیاری بر سرنوشت افراد و آیندهٔ آن‌ها دارند؛ همچنین، خواندن نام یک الوهیت برتر مانند یهوه، اسم اعظم الله، نام‌های ایزدان مزداپرستی و نام عیسی مسیح در هر یک از این ادیان اهمیت والایی دارد و به مثابهٔ یک لفظ عادی و معمولی با آن برخورد نمی‌شود. هر یک از این نام‌ها اگر درست به کار روند، می‌توانند در تغییر امور یاری‌رسان باشند و همچون امری متشخص عمل کنند.

«برید کرسستن نام را با تصویر مقایسه می‌کند: درحالی‌که تصویر نمایندهٔ مادی روح و ماهیت انسان یا خدا است، نام «تصویر غیرمادی» [آن] است. نام ماهیت زنده، انرژی حیاتی، نیروی شخص بشری یا الهی را نشان می‌دهد. براین اساس، اریجن در مخالفت با سلسیوس گفت: اگر ما خدا را با نام زئوس بخوانیم یا با نام خدای متعالی دیگر تفاوت دارد؛ طبق گفتهٔ وی، نام‌ها ذهنی^۱ نیستند؛ بلکه عینی‌اند^۲ که حضور و قدرت صاحب غیرمادیشان را زمانی که به درستی تلفظ گردد، به وجود می‌آورند» [12, p. 84].

۲. تعریف و پیشینهٔ جادوگری

در تعریف کوتاه دین‌پژوهان، جادو^۳ به فعالیت آیینی گفته می‌شود که به قصد ایجاد نتیجه بدون استفاده از فرایندهای علی شناخته‌شدهٔ جهان مادی انجام می‌گیرد [۱۰،

1. thesei

2. physei

3. magic

ص ۲۲۱]. در آغاز، جادو و جادوگری کوششی برای سیطره‌یافتن بر طبیعت و بهره‌گیری مطلوب از آن در راه گذران زندگی بود. در دوران جان‌پنداری و توتیمیزم و گرایش انسان به روح و آنگاه نیاپرستی، کوشش‌های انسان بیشتر به مهار کردن ارواح، ارواح نیاکان و نیروهای فراطبیعی و خدایان تمرکز داشت و در پی آن، جادو به ارتباط متافیزیکی انسان و پیرامون آن تغییر ماهیت داد [۲، ص ۲۳۹].

فروید جادوگری را اساساً فن تأثیر بر ارواح از راه جذب آن‌ها و تحمیل اراده خود بر آن‌ها و توسل‌جستن به تدابیری می‌دانست که به وسیله آن‌ها بتوان در زندگی تأثیر نهاد. در نظر وی، برخلاف جادو، سحر و ساحری با ارواح کاری ندارد و در آن، از روش‌های خاصی که بخشی از کهن‌ترین شیوه‌های ساحران در عمل جان‌پنداری به شمار می‌آید، برای رسیدن به مقاصد گوناگون استفاده می‌کنند. از سحر برای تسلط اراده انسان بر پدیده‌های طبیعت، صیانت فرد در برابر دشمنان و خطرات و قادرساختن او برای آسیب رساندن به دشمنان استفاده می‌کنند [همان، ص ۲۳۶].

پیشینه جادوگری به قدمت جوامع بشری بوده و می‌توان گفت فطری انسان بوده است؛ چنان‌که ژان پیازه نشان داده است کودکان در جریان رشد خود، از مراحل تفکر جادویی و تفکر جان‌پندارانه می‌گذرند [همان، ص ۲۳۸-۲۳۹ به نقل از جاهودا، ص ۱۹۰].

ابن خلدون [۴۹۷/۱-۴۹۹] می‌نویسد که سحر و جادو، ستاره‌شناسی و آنچه بدان‌ها وابسته بود - مانند طلسمات- در میان اقوام کهن مانند کلدانیان و سریانیان بابل، قبطیان مصر و اقوام دیگر بسیار متداول بوده و بازار گرمی داشته است. به نوشته همو پیش از بعثت حضرت موسی (ع)، جادوگران در بابل و مصر بسیار فعال بودند. عبری‌ها و عرب‌ها در کار سحر بیشتر به عزایم و رقیه‌ها یا افسون‌ها و اُغلوپات (کلمات نامفهوم) و یا بنا بر کلام قرآن کریم به «النَّفَاثَاتِ فِي الْعُقَدِ»، دمنندگان افسون بر گره نخ‌ها [فلق/۴/۱۱۳] می‌پرداختند [۲، ص ۲۴۱].

۳. آفرینش در کتاب مقدس و متون عرفانی یهودیان

«در ابتدا، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید ... ۳. و خدا گفت: روشنایی بشود. و روشنایی شد... ۴. و خدا روشنایی را دید که نیکوست ... ۵. و خدا روشنایی را روز نامید و تاریکی را شب نامید. و شام بود و صبح بود، روزی اول. ۶. و خدا گفت: فلکی باشد در میان آب‌ها و آب‌ها را از آب‌ها جدا کند ... ۹. و خدا گفت: آب‌های زیر آسمان در یکجا جمع شود و

خشکی ظاهر گردد. و چنین شد ... ۱۱ و خدا گفت: زمین نباتات برویاند ... ۱۴ و خدا گفت: نیرها در فلک آسمان باشند تا روز را از شب جدا کنند و برای آیات و زمان‌ها و روزها و سال‌ها باشند.» [پیدایش، ۱۱: ۱۵-۱].

در کتاب پیدایش و دیگر بخش‌های کتاب مقدس در مورد آفرینش واژه «گفتن» برای خدا آمده است، نه اینکه خدا «اراده» کرد و یا «خواست» و این چنین شد؛ بنابراین، «گفتن» خداوند است که موجب آفرینش است و این «کلام» اوست که با آن می‌آفریند. در جایی دیگر نیز: «و خدا تکلم فرمود و همه این کلمات را بگفت...» [خروج، ۲۰: ۱]؛ دقیقاً تصریح می‌کند که «او کلمات را گفت».

«بگذار بشود» عبارتی است که برخی بر این باورند می‌تواند همان امر آفریننده الهی باشد؛ یه‌ی^۱ واژه‌ای است که در برخی نیایش‌های دوره بعد که معتقد بودند آفرینش با کلام خدا صورت گرفت، نقشی مهم دارد:

این آفرینش تازه است: יְהִי و او هیچ یاری‌رسانی نداشت [Cowley, 801. 22 به نقل از 13]. به همان شیوه اثری از قرن چهارده، سرود دیگری می‌خوانیم: آن توسط کلمه [یعنی، توسط] יְהִי [یه‌ی] آفریده شد و سریعاً ساخته می‌شد [Ibid. 445. 2]... در متنی دیگر – اما باز هم جدیدتر – از همان نیایش، گفته می‌شود: خاص‌ترین روزها سبب است که یهوه با ده کلام تعیین کرد؛ توسط نامش آن‌ها به وجود آمدند [13, p. 78-79 & Ibid. 458. 13].

در مورد نام یهوه نظریه‌ای نیز مطرح است و آن اینکه نام در آفرینش با کلام همکاری داشته و به نوعی نقش عمده داشته است. فاسوم مطرح می‌کند سامریان تتراگرامتون^۲ را به مثابه آفریننده با امر الهی پیوند دادند و این مؤلفه توسط یهودیان نیز همانند یک حقیقت پذیرفته شد. چنان‌که روشن شده است نام یهوه از ریشه فعل «بودن» گرفته شده است و ترگوم‌گرایان در بخشی که یهوه خود را به موسی معرفی می‌کند می‌گویند وجود اولین من هستم [יְהִי מֵעַתָּה] به آفرینش جهان و دومین «من هستم» به آفرینش آینده اشاره دارد و این الفاظ را خدا گفت יְהִי و خواهد گفت יְהִי تعبیر کردند [Ibid, p. 79-80].

در آیات آغاز پیدایش، خداوند با نام الوهیم به معنای یگانه قدرتمند خوانده می‌شود.

1. yehi

۲. تتراگرامتن از واژه یونانی تترا (چهار) و گراما (حرف) را نویسندگان یهودی‌زبان برای نمایاندن اهمیت مقدس‌ترین و قدرتمندترین نام خداوند، یعنی یهوه (YHVH) به کار بردند [17, 1].

در آغاز باب دوم پیدایش نیز نام یهوه آورده می‌شود. ون کوتن مطرح می‌کند با نامیدن آن‌ها به روز و شب داستان خلقت به بعد زمان وارد می‌شود و «اولین روز از اولین ماه از اولین سال» کیهان پدیدار می‌گردد [19, p. 4].

در آیات آفرینش و تدبیر پس از اینکه خداوند کلام خلاق و آفریننده خود را می‌گوید عبارت: «و چنین شد» [پیدایش، ۱: ۷ و ۹ و ۱۱ و ۱۴ و ۲۴ و ۳۰؛ داوران، ۶: ۳۶-۳۸] به تأیید امر، مطابق با کلمه می‌آید و چنان که استک^۱ می‌گوید به معنای «و مطابق با آن رخ داد»، باید ذکر شود [19, p. 8]. به این ترتیب، به تصدیق تکوین و تدبیر به وسیله کلام آفریننده می‌پردازد و حتی بیش از آن دقیقاً رخداد را مطابق آن امر می‌داند. خدا گفت و شد؛ زیرا که او گفت و شد؛ او امر فرمود و قایم گردید» [مزمیر، ۳۳: ۹؛ ۵۰: ۱ و ۳-۴؛ زکریا، ۱۲: ۱؛ حکمت، ۹: ۲].

۴. تشخیص بخشی به کلام یهوه

در مورد قدرت کلام یهوه و تأثیر مینوی آن در آفرینش و تدبیر هستی نمونه‌های بسیار دیگری نیز مطرح است که برای اختصار، در برخی موارد، تنها به آیات آن ارجاع داده می‌شود: «همچنان کلام من که از دهانم صادر گردد، خواهد بود نزد من، بی‌ثمر نخواهد برگشت؛ بلکه آنچه را خواستم بجا خواهم آورد و برای آنچه آن را فرستادم، کامران خواهد گردید» [شعیا، ۵۵: ۱۱]؛ [مزمیر، ۱۴۸: ۱ و ۱۴۸: ۵]؛ [۷، ص ۱۶۹-۱۷۰]؛ [همان، ص ۷۲ و ص ۷۶]؛ در تمام این آیات و نیایش‌هایی که مطرح شده، نقش اصلی کلام خداوند در آفرینش و تدبیر هستی قابل ملاحظه است؛ چنان که در ابتدا او آفرید و اکنون از آن‌ها مراقبت می‌کند و هنوز با کلام خویش به هدایت و فرمانروایی می‌پردازد. در واقع، کلام خداوند به عنوان موجودی متشخص در جهان حضور می‌یابد و آنچه را خداوند اراده کرده است، انجام می‌دهد:

«زیرا برف را می‌گوید: بر زمین بیفت. و همچنین، بارش باران را و بارش باران‌های زورآور خویش را» [ایوب، ۳۷: ۶]. «ای خداوند کلام تو تا ابدالابد در آسمان‌ها پایدار است» [همان، ۱۲۰: ۸۹]. سپس در آیه بعد از آن به آفرینش زمین و پایدارماندن آن اشاره می‌کند. در برخی از آیات کلمه خداوند تشخیص دارد:

«خداوند کلامی نزد یعقوب فرستاد و آن بر اسرائیل واقع گردید» [شعیا، ۹: ۸]. «پس

کلام خدا به سوی من نازل شده و گفت...» [ارمیا، و ۱: ۴ و ۱۳ و ۲: ۱؛ ۷: ۱؛ ۱۳: ۳؛ ۱۶: ۱؛ ۱۸: ۵؛ ۲۱: ۱؛ ۲۴: ۴؛ ...؛ ۴۴: ۱] «خداوند چنین می‌فرماید» [همان، ۱۳: ۸؛ ۲۶: ۸؛ ۲-۱ حزقیال، ۳: ۱۶ و ۶: ۱؛ ۷: ۱؛ ۱۱: ۱۴؛ ۱۲: ۱]. «بل کلام توست که مؤمنان را نگاه می‌دارد» [حکمت سلیمان، ۱۶: ۲۶؛ ۱۶: ۱۲، ۱۸: ۱۵، ۱۸: ۱۲ و ۲۲: ۱۲؛ ۹: ۹]. در آیات اول به‌روشنی، کلام جان‌بخشی می‌شود و از سوی خداوند می‌آید و از قول او نقل می‌کند؛ همچنین، دیگر این خدا نیست که خود را بر آن‌ها ظاهر سازد؛ بلکه کلام خود را می‌فرستد و کلام از جانب او می‌گوید. این اتفاق ۵۵ بار در /شعیا و بیش از سی بار در /رمیا آمده است و کلام به مثابه موجودی مشخص ظاهر و توصیف می‌شود.

«کلامی که از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد، بعد از آنکه صدقیا پادشاه با تمامی قومی که در اورشلیم بودند عهد بست که ایشان به آزادی ندا نمایند» [ارمیا، ۳۴: ۸]. «اینک کلام خود را بر این شهر به بلا وارد خواهیم آورد» [همان، ۳۹: ۱۵]؛ [شعیا، ۴۰: ۸-۶]. در آیه اول این کلام است که نازل می‌شود و عهد می‌بندد و همانند آنچه پیش از این در مورد تشخیص بخشی به کلام گفته شد، در این آیات نیز مطرح است:

به سوی زمین نظر انداختم و اینک تهی و بایر بود و به سوی آسمان و هیچ نور نداشت. به سوی کوه‌ها نظر انداختم و اینک متزلزل بود و تمام تل‌ها از جا متحرک می‌شد. نظر کردم و اینک آدمی نبود و تمامی مرغان هوا فرار کرده بودند. نظر کردم و اینک بوستان‌ها بیابان گردیده و همه شهرها از حضور خداوند و از حدت خشم وی خراب شده بود؛ زیرا خداوند چنین می‌گوید: تمامی زمین خراب خواهد شد، لیکن آن را بلکه فانی نخواهم ساخت. از این سبب جهان ماتم خواهد گرفت و آسمان از بالا سیاه خواهد شد؛ زیرا که این را **گفتم و اراده نمودم** و پشیمان نخواهم شد و از آن بازگشت نخواهم نمود [ارمیا، ۴: ۲۳-۲۸].

در این بخش از ارمیا نه تنها آفرینش با کلام صورت می‌گیرد؛ بلکه نابودی و پایان جهان نیز با کلام و گفتار خداوند صورت می‌گیرد. در آیه پیشین حتی ابتدا واژه گفتن را استفاده می‌کند و سپس اراده را می‌آورد؛ یعنی آنچه می‌گوید، اراده انجام آن را ترغیب می‌کند.

بنابراین، کلام و کلمه الهی به مثابه امری خلاق و آفریننده همانند تابویی است که هرکسی اجازه نزدیک شدن به آن و برزبان آوردنش را نخواهد داشت، همان طور که گفته شد؛ حتی فرستادگان او نیز با نوعی هراس از این قدرت عظیم، کلام او را بر زبان می‌آوردند. در جای‌جای کتاب مقدس یهودیان نیز می‌خوانیم که باید در حفظ این کلام

بکوشند و آن را نگاه دارند و رعایت نکردن آن عواقب ناخوشایندی برای قوم خواهد داشت؛ «اما هر که دل خود را به کلام خداوند متوجه نساخت، نوکران و مواشی خود را در صحرا وا گذاشت» (خروج، ۹: ۲۱). «بر کلامی که من به شما امر می‌فرمایم، چیزی میافزایید و چیزی از آن کم منماید، تا اوامر یهوه خدای خود را که به شما امر می‌فرمایم، نگاه دارید» [تثنیه، ۴: ۲]؛ [مز/میر، ۱۰۷: ۱۰-۱۲].

۵. ممرا

«توسط کلام خداوند آسمان‌ها ساخته شد و کل جنود آن‌ها به نفخه دهان او^۱» [مز/میر: ۳۳: ۶]. در نیایش باروخ شامر آمده است: «رأی خدا تا ابد و مشیت او در هر دوره پایدار است؛ زیرا او امر کرد و (هستی) ایجاد شد، او دستور داد و بر جاماند» [۷، ص ۶۹]. این عبارت نیایشی یهودیان صریحاً آفرینش را نتیجه امر خداوند معرفی می‌کند، «امر»ی که از آغاز تا ابد جاودان است؛ بنابراین، خداوند با کلمه خلاق و آفریننده خود امر می‌کند و تجلی و آفرینش عالم را رقم می‌زند. در ادامه کتاب پیدایش نیز خداوند با جزئیات می‌گوید و می‌شود و نقش هریک از موجودات چه بی‌جان و چه جاندار را برای آن‌ها با نام‌گذاریشان تعیین می‌کند. به هریک از آن‌ها امر می‌کند که آفرینش شما برای چه چیزی است و مستقیماً آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد [پیدایش، ۱: ۱-۲۹]. این خطاب‌قراردادن و نام‌گذاری در واقع، محدودساختن هر آفریده به عملی مشخص است، بدین معنا که نام برای آن موجود نقشی خاص تعیین می‌کند.

یهودیان واسطه‌هایی را برای ارتباط خداوند متعالی و دست‌نیافتنی با آفرینشش و عالم واقع قائل شده‌اند. از جمله این واسطه‌ها ممرا در یهودیت است که به مثابه کلام خداوند عمل می‌کند. ممرا در ادبیات یهودی به معنی لوگوس [کلمه] خلاق الهی به کار می‌رود و نیروی خدا را در عالم و ذهن بشر متجلی می‌سازد و بین خدا و انسان واسطه قرار می‌گیرد و در ترگوم گاهی اوقات به جای یهوه نیز قرار می‌گیرد [11, p. 63].

فرمان خدا که به وسیله آن خلقت به وجود آمد و به بودن ادامه می‌دهد؛ همچون صدور از او گفته شد تا اراده‌اش را انجام دهد [12, p. 542]. به وسیله کلام یهوه آسمان‌ها ایجاد شد [مز/میر، ۳۳: ۶]. او کلمه‌اش را فرستاد و آن‌ها را شفا داد [همان، ۱۰۷: ۲۰]. در اپوکریفها نیز نمونه‌هایی مطرح است که در آن‌ها کلمه به جای خدا عمل

1. By the word of the LORD were the heavens made; and all the host of them by the breath of his mouth (psalms, 33:6).

می‌کند: «آن کلمه بود که بر فرزندان فرشتگان گمراه فرود آمد تا آن‌ها را با شمشیر سوراخ کند» [ایوب ۵: ۱۱]؛ «آن بر دل ابراهیم وارد شد» [۱۲: ۱۷]؛ «آن نخست‌زادگان در مصر را کشت؛ کلمه مقتدر تو از آسمان بیرون از عرش سلطنت پرید» [حکمت، ۱۸: ۱۵]. با این حال، گرچه این نمونه‌ها رخداد نادری در ترگوم هستند؛ اما هیچ‌جای دیگر در ادبیات پیشابابلی یهودی، پیش از این کلمه تحت شکل ممرا فرض نمی‌شد. ترگوم او به یهوه ایمان دارد را ترجمه می‌کند او به ممرای یهوه ایمان دارد [پیدا/یش، ۱۵: ۶] و در خروج ملاقات با ممرای یهوه صورت می‌گیرد [۱۷: ۱۹]، در اعداد یهوه خدای او با وی است، به ممرای یهوه خدای او و وی است، ترجمه می‌شود [۲۳: ۲۱].

در جاهایی از کتاب مقدس از جمله در آیات زیر و مشابه آنکه انسان‌انگاری خدا با تعالی خداوند ناسازگار بود، ترگوم‌یست‌ها واژه ممرا را به کار می‌بردند [12, p. 542]: «توسط ممرایم زمین را ایجاد کردم و با قدرتم آسمان‌ها را معلق ساختم» [شعیا، ۴۸: ۱۳]. دهان یهوه به ممرای یهوه تبدیل می‌شود [پیدا/یش، ۳۸: ۱۰]. «ما صدای ممرای او را شنیدیم» [تثنیه، ۵: ۲۴]. ممرای اوست که پشیمان می‌شود [پیدا/یش، ۶: ۶]، خدا به ممرایش سوگند می‌خورد [اعداد ۱۴: ۳۵] و نمونه‌های دیگر.

در ترگوم ممرا دائماً به مثابه تجلی الهی یا پیام‌آور خدا در جایگاه خود خدا، هر جا که گزاره‌ای مطابق با عظمت یا معنوی الهی نیست، ظاهر می‌شود. ممرا به‌جای پروردگار انتقام می‌گیرد، می‌سوزاند و موضوع اعتقاد قرار می‌گیرد [Targ. Deut. ix. 3; comp. Targ. Isa. xxx. 27]. من به ممرای خود دستور خواهم داد تا آنجا باشد [comp. Targ. Ex. xxv. 22]. جایی که در تثنیه آمده است «من بین پروردگار و تو ایستاده بودم» [تثنیه، ۵: ۵]. به‌همین ترتیب، در متون ترگوم این ممرا است که کارها را به‌جای خداوند انجام می‌دهد. او به‌عنوان تجلی خدا عمل می‌کند [20].

۶. اهمیت نام‌ها در یهودیت

کتاب مقدس عبری و به‌ویژه سفر پیدا/یش بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی قوم یهود را در خود دارد. از جمله این مؤلفه‌ها نام‌های سری و نام‌گذاری‌هایی است که در آن مطرح می‌شود. کتاب پیدا/یش منشأ انسان و مردم عبرانی را با شرح افسانه‌های اساسی و اینکه چگونه اسرائیل به مصر وارد شد، شرح می‌دهد. پیدا/یش شخصیت‌های مختلف، ایهام، ساختارهای پیرنگ و ویژگی‌های عامیانه که متن را در بر گرفته، روشن می‌سازد. کاربرد

تغییرات نام و نام‌گذاری عوامل ضروری در چنین حکایاتی هستند؛ زیرا نشان می‌دهند چگونه قدرت نام‌گذاری سلسله‌مراتب قدرت را ایجاد می‌کند و از ورود بی‌نظمی به جامعه عبرانی جلوگیری می‌کند [16, p. 25].

«الوهیم» با نامیدن تاریکی به شب و روشنایی به روز، آن‌ها را به ویژگی‌های خودشان و نقششان محدود می‌سازد و به‌همین ترتیب، نام می‌دهد و نظم را ایجاد می‌کند، عملی که در مورد موجودات به آدم واگذار می‌شود و نه تنها با این عمل نظم را ایجاد می‌کند؛ بلکه بر آن‌ها تسلط نیز می‌یابد: «انسان‌ها همانند نظم‌دادن موجودات نازل‌تر روی زمین در تقلیدی از قدرت برتر که آن‌ها را نامیده، عمل می‌کنند» [Ibid, p. 32].

نظم جهان بر ساختاری که خدایان قرار می‌دهند، مبتنی است. با توجه به نظم جامعه انسانی مبتنی بر این ساختار قلمرو آسمانی، حاکم انسان باید دانش سرّی را به دست آورد. همان طور که موسی (ع) خروج و حمورابی قانون‌اش را از خدایان پذیرایشان، یهوه یا شمش به‌منظور سازماندهی جامعه دریافت می‌کنند؛ بنابراین، سلسله‌مراتبی به‌منظور حفظ تعادل به وجود می‌آید. سلسله‌مراتب خدایان نیز حاکمی دارد که قاعدتاً خالق بیشترین میزان قدرت را داراست و معمولاً خدایی است که سرّی‌ترین دانش را حفظ می‌کند. تحت فرمان او خدایانی نازل‌تر قرار دارند که اعمال و کارهای متفاوتی انجام می‌دهند [Ibid, p. 4]. یهوه هنگامی برای یهودیان آشکار شد که موسی (ع) او را در حوریب در بوتّه آتش مشاهده کرد و با او سخن گفت. در این رویارویی یهوه خود را برترین و قدرتمندترین بین خدایان معرفی می‌کند؛ بنابراین، او تمام قدرت‌های نازل‌تر را در اختیار خویش دارد و در رأس سلسله‌مراتب قرار می‌گیرد و نظم عالم را در اختیار دارد.

«نام‌ها» در این ساختار سلسله‌مراتبی نقش‌های متفاوتی برای مردم در دو قطب مخالف ایجاد می‌کنند. از طریق نام‌گذاری توسط خالق یا پادشاه که قدرت برتر در این سلسله‌مراتب است، نقش‌های مختلف برای شخص یا شیء مقید می‌شود و نظم را ایجاد می‌سازد. اگر این کارکرد ساختاری عکس پیدا کند، معمولاً بی‌نظمی رخ می‌دهد. «در این جهان بینی، فقیر اغلب مقدر می‌شود فقیر باشد و غنی مقدر است ثروتمند باشد. زندگی انسان موضوع تقدیرهای برنامه‌ریزی‌شده توسط خدایان برتر است» [Ibid, p. 5]. در [شعیا، ۴۳: ۱] می‌خوانیم خداوند یعقوب را به نامش می‌خواند و او را تحت اختیار و ملکیت خود درمی‌آورد.

در مورد مسیحای یهود نیز این مسئله مطرح است که عبارت «نام مسیحا» که پیش

از آفرینش جهان آفریده شد، به جای واژه «مسیحا» به کار برده شده است. در صورتی که می‌توانست این را ساده‌تر استفاده کند و تنها واژه مسیحا را به کار ببرد؛ بنابراین، دو مفهوم مطرح می‌شود یکی اینکه «پیش از آفرینش جهان، مفهومی مثالی از یک اسم پدید آمد» و یا «یک اسم واقعی عملاً خلق گردید» [۹، ص ۱۸۵]. توجه به این مسئله که کلمه یا نام آن چیز قبل از پیدایش یا خلق آن به صورت اِزلی وجود داشته است، در آفرینش جهان توسط کلام روشنگر و دارای جایگاه مهمی است.

خداوند به موسی(ع) گفت: این کار نیز که گفته‌ای خواهم کرد؛ زیرا که در نظر من فیض یافته‌ای و تو را به نام می‌شناسم [خروج، ۳۳: ۱۷]. این مسئله در کتاب مقدس یهودیان همانند نام خود یهوه و عدم تلفظ آن است.

۷. منع تلفظ نام خداوند در یهودیت

در یهودیت تلفظ نام خداوند قوانین خاصی دارد. نام یهوه در این دین به اندازه‌ای دارای قدرت و هیبت در نظر گرفته می‌شد که تا دوران جدید و حتی امروزه نیز بسیاری از بردن آن هراس دارند. با توجه به اینکه تلفظ نام به‌عنوان یک کلمه کاملاً مرتبط با گفتار و کلام است به این مسئله نیز پرداخته‌ایم.

فریزر با مقایسه دو نوشتار مربوط به کتاب مقدس یکی روایت حاخامی^۱ و دیگری روایت یهوه‌ای^۲ مطرح می‌کند، ممنوعیت تلفظ نام یهوه در نوشتار مربوط به نویسنده حاخامی ظهور می‌یابد که نام یهوه برای موسی(ع) آشکار می‌شود و نویسنده یهوه‌ای که چنین دیدگاهی در مورد آشکار ساختن نام یهوه ندارد، «آن را بدون تردید در اینکه چه پیش خواهد آمد، اعطا می‌کند» [14, p. 84].

تایسون آغاز این ممنوعیت تلفظ نام را قرن چهارم قبل از میلاد می‌داند و علت آن را برخلاف بسیاری از پژوهشگران، قدرت‌طلبی روحانیون معرفی می‌کند؛ زیرا دانستن نام باعث ایجاد شکافی بین آن‌ها و طبقه عامه می‌شود و مرجعیت ایشان را تثبیت می‌کند؛ بنابراین، آنان این نام را بین خود حفظ کردند [Ibid, 2]. در مقابل، برخی دیگر از پژوهشندگان علت اختفای نام را به اعتقادات اولیه انسان در مورد جادو مرتبط می‌دانند و مطرح می‌کنند نام یهوه بدان علت پوشیده است که در دوران کهن تصور بر این بود که اگر کسی نام دیگری را بداند، می‌تواند بر او تسلط یابد و از قدرتش سوءاستفاده کند.

1. Priestly narrative
2. jehovistic narrative

مکلورین نیز می‌گوید:

ما نه با برخی اصطلاحات دوره پیشاتاریخی؛ بلکه با نام مقدس که به مردم باسواد در دوره تاریخی داده می‌شد، سروکار داریم و به هر صورت، غیرقابل تصور است که معنا با ریشه مبهمی از بین رفته باشد که باید در زبان‌های هم‌ریشه جست‌وجو شود. بیشتر شبیه این است که معنا برای همه آشکار بود، تا اینکه سنتی ظهور کرد و نام به قدری مقدس شد که توسط انسان‌های عادی نمی‌توانست تلفظ شود یا به خاطر برخی دلایل دیگر از استفاده افتاد [16, p. 66-67].

در سال هفتاد میلادی اظهار آشکار نام یهوه حتی در معبد هم، تحت نقاب قداست، ممنوع شد. بعد از تخریب کامل معبد، از آنجایی که برگزاری مراسم امکان‌پذیر نبود، خطاب کردن و شنیدن نام متوقف شد و در بین مکاتب ربّی‌ها حفظ شد که هر هفت سال در گوش شاگردان تلفظ می‌شد که اصطلاح «دهان به گوش»^۱ را به کار می‌بردند. به این ترتیب، به کاربرد نام توسط اشخاص عامی امری توهین‌آمیز به مقدسات تلقی شد و چنان‌که فیلون می‌گوید حتی مجازات مرگ در پی داشت [18, p. 2].

با وجود این، پامفری معتقد است نام یهوه از همان ابتدا حرمت داشت و بر زبان آوردن آن جز در مواقع خاص عواقب ناخوشایندی داشته است. چنان‌که تنها در یوم کیپور و تنها روحانی می‌توانست آن را بر زبان آورد. حتی او نیز هنگام ورود به معبد ریسمانی را به خود می‌بست تا او را بیرون آورند؛ زیرا تصور می‌کرد گفتن نام ممکن است او را بکشد. با وجود این، نام او کاملاً سرّی نبود؛ بلکه چنان قدرتی برای آن تصور می‌شد که کسی جرئت بر زبان راندنش را نداشت [16, p. 67].

نویسندگان یهودی یونانی زبان تتراگراما^۲ از واژه یونانی تترا (چهار) و گراما (حرف) را برای نمایانند اهمیت مقدس‌ترین و قدرتمندترین نام خداوند یعنی یهوه به کار بردند. تلفظ نام جز برای روحانیون معبد در طی نیایش و روز کفاره در برابر مردم، ممنوع بود؛ اما به سبب اینکه تورات کاملاً بدون مصوّت نگارش می‌شد، امکان نوشتن آن وجود داشت؛ در عین حال، تلفظ آن مشخص نبود فیلون یهودی اظهار می‌دارد شنیدن یا گفتن نام جز برای کسی که گوش و زبانش مطهر باشد، ممنوع است و در مکانی مقدس باید گفته یا شنیده شود (17, p. 1). به علت اینکه این نام تلفظ نمی‌شد، ادونای به جای آن به عنوان نام خداوند مورد خطاب قرار گرفت که پس از آن مصوت‌های ادونای برای یهوه به کار گرفته شد. «اما تصور می‌شود تلفظ اصلی یهوه باشد» [11, p. 71].

1. mouth to ear
2. tetragrammaton

تلفظ نام یهوه برای یهودیان نامشخص است و با توجه بدان معانی مختلفی؛ اما با مفاهیم یکسان از آن برداشت کرده‌اند، «او همانی است که هست»، «او علت هستی چیزها است» و «او سرنوشت‌ها (وقایع) را به هستی می‌خواند» [18, p. 3] که این معانی همه به‌نوعی به هم ارتباط دارند و معنای آخر نیز در این بررسی اهمیت بیشتری دارد؛ فراخواندن به هستی امری است که یهوه با عنوان آفریننده انجام می‌دهد. روحانیون سامری در دوران نوین نیز این نام را به‌صورت یهوه یا یهوه به کار می‌برند. به هر ترتیب، این مسئله دارای اهمیت است که خواندن این نام با تلفظ حقیقی‌اش قدرت مهبیی را آزاد می‌کند [Ibid, 4].

با توجه به این اندیشه و عقیده در مورد نام خدا که آفرینش به آن نسبت داده شده است و قدرتی که دارد، در بین انسان‌ها نیز دارای چنین قدرتی تصور می‌شود. بنا بر اینکه به‌کاربردن آن انسان را به ایجاد تغییر در سرنوشتش قادر می‌سازد. کسی که از نام آگاهی دارد، می‌تواند آن را به‌صورت علائمی درآورد و نام را بخواند تا شعور روحانی آن را فرمان دهد یا ارواح نازل‌تر تحت فرمان نام را مهار کند [16, p. 31]. این دقیقاً همان چیزی است که پامفری در مورد شرح سلسله‌مراتب قدرت به آن پرداخته است. طرفه آنکه یهوه حتی در زمان نزول ده فرمان [خروج، ۲۰] از گفتن نام خود به موسی (ع) صریحاً امتناع می‌کند.

۸. تلفظ نام یهوه به مثابه امری قدرتمند در برآورده شدن درخواست‌ها

نام خداوند و فراخواندن آن در کتاب مقدس و نیایش‌های یهودیان همانند عنصری جادویی عمل می‌کند و با آن می‌توان به خواسته‌های بسیاری دست یافت: «به پاس جلال نامش، (همه را) به طور احسن آفرید، ستارگان را گرداگرد (مظاهر) قدرتش قرار داد» [۷، ص ۸۰]. نام تو از ازل نجات‌دهنده و رهایی‌بخش ما بوده است [همان، ۸۷]؛ زیرا به نام مقدس، بزرگوار و سهمناک تو اتکا داریم^۱ [همان، ۸۲]. در این نیایش‌ها علاوه بر گرایش‌های عرفانی، مشاهده می‌کنیم که این عقیده قدرتمند بودن نام اهمیت بسیاری دارد.

جایگاه ویژه و حرمت تابویی نام خداوند را از جمله در این آیات کتاب مقدس نیز می‌توان به‌وضوح دریافت: «ای خداوند، گوش تو به سوی دعای بندهات و دعای بندگانت

۱. در تفسیر آیه «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ... (الاعلی، ۱)، [نام پروردگار والای خود را به پاکی بستای] نیز این پرسش در انداخته شده، چرا نفرموده است: «سَبِّحْ ... رَبِّكَ الْأَعْلَى ...

که به رغبت تمام از اسم تو ترسان هستند، متوجه بشود و بنده خود را امروز کامیاب فرمایی و او را به حضور این مرد مرحمت عطا کنی؛ زیرا که من ساقی پادشاه بودم» [تحمیا، ۱: ۱۱]؛ «و هر که اسم یهوه را کفر گوید هر آینه کشته شود، تمامی جماعت او را البته سنگسار کنند، خواه غریب خواه متوطن چون که اسم را کفر گفته است کشته شود» [لاویان، ۱۶: ۲۴ و ۱۹: ۱۲؛ خروج، ۳۴: ۱۴].

۹. نام‌گذاری موجودات توسط آدم

«و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند، حکومت کنید [۱: ۲۸]. بر اساس این آیه، آدم بنا بر خواست خداوند بر دیگر موجودات تسلط و برتری یافت؛ بنابراین، نام‌گذاری آن‌ها به آدم اختصاص یافت: «و خداوند خدا هر حیوان صحرا و هر پرنده آسمان را از زمین سرشت و نزد آدم آورد تا ببیند که چه نام خواهد نهاد و آنچه آدم هر ذی‌حیات را خواند، همان نام او شد. پس آدم همه بهایم و پرندگان آسمان و همه حیوانات صحرا را نام نهاد» [پیدایش: ۲: ۱۹-۲۰]. سپس حوا را آفرید و «آدم زن خود را حوا نام نهاد؛ زیرا که او مادر جمیع زندگان است» [همان، ۳: ۲۰]. همین‌طور نام‌گذاری فرزندان توسط والدینشان نیز صورت می‌گیرد. در کتاب مقدس، بیشتر این نام‌ها شخصیت و نقش افراد را معین می‌کنند و در سرنوشتشان تأثیری مستقیم دارند. در ابتدا تعدادی از این نام‌ها معرفی خواهند شد؛ سپس، در مورد نام‌گذاری یعقوب به‌طور خاص مطرح می‌شود.

۱۰. تغییر نام‌ها و نام در تعیین نقش و سرنوشتشان

بنا بر کتاب مقدس، ابرام به ابراهیم تغییر نام یافته، سرنوشتش را به مثابه پدر امت‌های بسیار^۱ تعیین می‌کند؛ همچنین، نام سارای به ساره تغییر می‌یابد: «نام تو بعد از این ابرام خوانده نشود؛ بلکه نام تو ابراهیم خواهد بود؛ زیرا که تو را پدر امت‌های بسیار گردانیدم» [پیدایش، ۱۷: ۵]؛ [همان، ۱۵-۱۶: ۱۷]. چنان‌که صریحاً در این موارد می‌بینیم؛ با تغییر نام آن‌ها توسط خداوند که در سلسله‌مراتب قدرت برترین است، سرنوشت‌ها نیز تغییر می‌کند و ادامه راه و کاری را که بر عهده ایشان است، تعیین می‌کند [۲۵: ۲۵-۲۶] [همان: ۱۰: ۲۵].

^۱. Brown, 1975, p. 76.

نام‌گذاری در موقعیت و شرایط زمانی تولد نوزادان نیز اهمیت داشته است. چنان‌که در چند جای عهد قدیم مشاهده می‌کنیم، مادران مطابق با این شرایط فرزندان را نام می‌دهند؛ [۲۹: ۳۲-۳۵؛ ۳۱: ۸و۶؛ ۳۱: ۱۱، ۱۳، ۱۸، ۲۰، ۲۴].

«و وی را نوح نام نهاده گفت: این ما را تسلی خواهد داد از اعمال ما و از محنت دست‌های ما از زمینی که خداوند آن را ملعون کرد» [همان، ۵: ۲۹]. واژه نوح به معنای راحت و استراحت^۱ [15, p. 82] است که در آیات بعد مفهوم نام‌گذاری او بدین معنا مشخص می‌شود: «خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود و در دل خود محزون گشت. و خداوند گفت: انسان را که آفریده‌ام، از روی زمین محو سازم، انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا را، چونکه متأسف شدم از ساختن ایشان؛ اما نوح در نظر خداوند التفات یافت. این است پیدایش نوح. نوح مردی عادل بود و در عصر خود کامل. و نوح با خدا راه می‌رفت» [همان، ۶: ۹-۶].

تغییر نام یعقوب نیز شایسته امعان نظر است: «عیسو» گفت: نام او را یعقوب بخوبی نهداند؛ زیرا که دو مرتبه مرا از پا درآورد. اول نخست‌زادگی مرا گرفت و اکنون برکت مرا گرفته است» [همان، ۲۷: ۳۶]. عیسو بدین علت عیسو نام گرفت که هنگام تولد قرمز رنگ بود و یعقوب به معنای «او چنگ می‌زند» است. در این داستان، او از ابتدای تولد به موقعیت‌های مختلفی که برای برتری‌اش پیش می‌آید، چنگ می‌اندازد؛ چنان‌که نخست-زادگی را از عیسو می‌گیرد؛ سپس، برکتی را که اسحاق می‌خواست به عیسو ببخشد با فریب از او می‌گیرد. در انتها نیز تغییر نام را از موجود برتر دریافت می‌کند و نام اسرائیل را دریافت می‌کند. با دریافت نام اسرائیل سرنوشت او نیز تغییر می‌کند و دیگر برای کسب چیزی مبارزه نمی‌کند یا مطابق نام سابقش چنگ نمی‌اندازد (16, p. 25-26).

پژوهشگران نظرات متعددی در مورد ماهیت شخص مرموزی که با یعقوب کشتی می‌گیرد، داده‌اند. باین حال، خود کتاب مقدس تأکید را بر کشتی با خدا قرار داده است تا خواننده چندان در یافتن هویت آن شخص درگیر نشود. در این داستان می‌خوانیم یعقوب خانواده‌اش را از رودخانه و گذرگاه یبوق عبور داد و هنگام غروب غریبه‌ای را ملاقات می‌کند و آن‌ها تمام شب را کشتی می‌گیرند. غریبه هنگام صبح از روی استیصال می‌کوشد بگریزد؛ باین حال، یعقوب ران او را رها نمی‌کند تا زمانی که برکت بگیرد. غریبه درخواست یعقوب را با دادن نام جدید اسرائیل به او می‌پذیرد و سریعاً

می‌گریزد. یعقوب که اکنون اسرائیل نامیده می‌شود، مطمئن است که با خدا کشتی گرفته و به آن منطقه نام فنیئیل می‌دهد؛ «زیرا خدا را روبه‌رو دیدم و جانم رستگار شد» و سپس حرکت می‌کند تا برادرش را ملاقات کند [Ibid, p. 27].

دو نظر مهم دیگر معرفی این شخص به‌عنوان فرشته و جن است؛ چنان‌که پامفری مطرح می‌کند این محققان بر این باورند که شخص مرموز چهره‌ای ملکوتی است و با توجه به اینکه پیش از مبارزه یعقوب گروهی از فرشتگان را در جایی که نام محنائیم را بر آن می‌نهد، مشاهده می‌کند، این عقیده منطقی‌تر به نظر می‌رسد. او در ادامه نظریه شخص به‌عنوان جن را مطرح می‌کند [Ibid, p. 29].

«فرضیه جالب دیگر در مورد این شخص مرموز وجود دارد و آن تفکری عامیانه‌تر از فرشتگان و خدایان است. در پرتو خرافات و عقاید عامیانه زمان، رقیب کشتی یعقوب می‌تواند نوعی روح طبیعت که نزدیک گذار یعقوب ساکن می‌شود، باشد» [Ibid, p. 30]. با توجه به این نظریه او می‌گوید در گذشته عقیده به وجود ارواح و جن در طبیعت امری عادی تلقی می‌شده است و آن منطقه که یعقوب با شخص مرموز کشتی می‌گیرد، منطقه‌ای است که ویژگی‌های پذیرندگی این ادعا را می‌تواند دارا باشد. مسأله دیگر هراس آن موجود از سپیده‌دم است، ویژگی‌ای که در قدیم متعلق به جنیان و ارواح طبیعت بوده است؛ همچنین، یعقوب نیازمند گیرانداختن جن و یا شخص مرموزی که از او قدرتمندتر است، بود؛ زیرا اگر می‌توانست نام او را به دست آورد، او را تحت تسلط خویش درمی‌آورد و پیروزی‌اش بر عیسو قطعی می‌شد. با این حال، گرچه یعقوب به نام او دست نیافت؛ اما توانست از این روح برتر در سلسله‌مراتب قدرت، هم برکت را از او بگیرد و هم نام خود را تغییر دهد [Ibid, p. 30-31].

جینین فولر^۱ اظهار می‌دارد: «برای ذهن سامی باستانی، نام قرارداده‌شده برای فرد بیش از ابزار شناسایی صرف بود؛ زیرا هر نام برخی از جنبه‌های مربوط به ماهیت شخص را که نام در خود داشت، آشکار می‌ساخت.» یعقوب که به پاشنه عیسو چنگ انداخت، کوشید اول باشد، پیوسته می‌کوشد عیسو را فریب دهد تا نخست‌زادگی‌اش را به او بدهد. ابتدا، او عیسو را به فروش نخست‌زادگی‌اش متقاعد می‌سازد؛ سپس، یعقوب برکت را از عیسو با فریب پدرشان اسحاق می‌دزدد. نام یعقوب یادآور دائمی اعمالی است که او انجام می‌دهد: «بنابراین، از نظر حکایت، نام، نشان از اعمالی دارد که اتفاق می‌افتند.

1. Jeaneane Fowler

مبارزهٔ یعقوب با غریبه یک چنین عملی است که اشاره‌ای به نام و شخصیتش می‌کند. همان طور که داستان گسترش می‌یابد، یعقوب می‌کوشد قدرت را از موجود دیگر احتمالاً به‌منظور کسب سلاحی در برابر برادرش بگیرد» [Ibid: 34].

با وجود این، در ادامهٔ داستان یعقوب می‌بینیم که راوی می‌گوید: «پس او را اسرائیل نام نهاد. و خدا وی را گفت من خدای قادر مطلق هستم. بارور و کثیر شو» [پیدا/یش، ۳۵: ۱۰]. مشاهده می‌کنیم خداوند بار دیگر در رویارویی با یعقوب به او نام اسرائیل را می‌دهد، خدا به وی گفت: نام تو یعقوب است؛ اما بعد از این نام تو یعقوب خوانده نشود؛ بلکه اسرائیل خواهد بود. در این دو مسئله، یکی اینکه آن شخص مرموز کسی غیر از خدای یعقوب بود و دیگری این رویارویی دوم که بین خدا و یعقوب صورت می‌گیرد، می‌توان گفت اگر بپذیریم دیدگاه صاحب‌نظران در مورد جن یا موجود ملکوتی صحیح باشد و شخص مرموز یکی از این دو که به طبقهٔ برتر سلسله‌مراتب تعلق دارند، باشد؛ می‌توان گفت مطابق با همین نظریه شخص مرموز به‌نوعی هم به یعقوب برکت بخشیده شده است و هم به پیشگویی اینکه نامش به اسرائیل تغییر خواهد یافت، می‌پردازد.

۱۱. دعا به مثابهٔ کلامی که از بشر صادر می‌شود.

نوشتن کلام خدا و جایگاه صورت مکتوب در عهد قدیم مورد تأکید است: در کتاب /رمیای نبی آمده است: «طوماری برای خود گرفته، تمامی سخنانی را که من دربارهٔ اسرائیل و یهودا و همهٔ امت‌ها به تو گفتم از روزی که به تو تکلم نمودم یعنی از ایام یوشیا تا امروز در آن بنویس ... پس ارمیا باروک بن‌نیریا را خواند و باروک از دهان ارمیا تمامی کلام خداوند را که به او گفته بود در آن طومار نوشت» [رمیا، ۳۶: ۲ و ۴].

افراد در ذکر کلام الهی یهوه باید مطهر باشند؛ زیرا کلام خدا نمادی از قدرت و قداستی عظیم بود تا آن حد که ارتباط با او برای انبیائش نیز دلهره می‌آورد؛ برای نمونه، اشعیا از برزبان‌راندن کلام او هراسناک بود. تا یکی از سرافیم‌ها با اخگری لبانش را پاک و مطهر ساخت نتوانست کلمهٔ خدا را بازگوید. آرمسترانگ حتی فصیح‌نبودن زبان موسی (ع)^۱ را به این علت می‌داند: «این مایه که بارها در داستان‌های رسالت تکرار شده، نشانهٔ دشواری به‌زبان آوردن کلام خداست» [۱، ص ۵۴]. پس گفتم: وای بر من که هلاک شده‌ام؛ زیرا که مرد ناپاک‌لب هستم و در میان قوم ناپاک‌لب ساکنم و چشمانم یهوه

۱. قرآن کریم (طه، ۲۷ و قصص، ۳۴) نیز به گره زبانی موسی (ع) اشاره دارد.

صبايوت پادشاه را دیده است [شعيا، ۶: ۵]. باین حال، این ترس و هراس از کلام خداوند در همه دوره‌های نبوت در کتاب مقدس نیست؛ چنان که برخی از انبیاء به راحتی با خدا سخن می‌گفتند و او نیز کلامش را بر آن‌ها می‌فرستاد [اول پادشاهان، ۲۱: ۱۷ و ۲۸؛ ۱۹: ۹].

نه تنها کلام آفریننده از آن خداست؛ بلکه کلام با ارزشی که انسان می‌گوید نیز آفریده اوست: «من آفریننده ثمره لب‌ها هستم: بر آنانی که دورند سلامتی باد» [شعيا، ۵۷: ۱۹]. در واقع، دعاها نیز کلام ارزشمند هستند و نزد یهوه پذیرفته می‌شوند و می‌توانند اراده او را تحت تأثیر خود قرار دهند [پیدایش ۲۰: ۱۷-۱۸].

در نیایش‌های یهود این مسئله اهمیت دارد که هر بخش یا جمله و حتی کلمه نیایش که بیان می‌شود باید قانون خاص و مربوط به آن رعایت شود و در غیر این صورت، باید دوباره خوانده شود و گرنه دعا پذیرفته نمی‌شود. این الزام در مورد دعای برکت کاهنی وجود داشت که به زبان عبری قرائت شود؛ زیرا «یهودیان چون متشرع بودند نگران شریعت و مراقب بودند تا برخلاف شمع که می‌شد آن را به هر زبانی قرائت کرد، دعای برکت کاهنی به عبری خواند شود» [۸، ص ۱۷۸]؛ بنابراین، کلماتی که برای نیایش به کار می‌روند و بر خواندن نیایش‌ها بدون لغزش و اشتباه اهمیت دارد تا نیایش پذیرفته الهی قرار گیرد.

مهم‌ترین قوانین در این نیایش‌ها به زمانی مربوط است که نام خداوند برده می‌شود. این قوانین برای پذیرفته شدن نیایش یا برآورده شدن از سوی یهوه الزامی هستند، گاهی نیز بر زبان آوردن کلمه‌ای مانند «آمین» هم اگر در جای خود نباشد، موجب خدشه دار شدن نیایش می‌شود. از جمله نیایش‌های یهود باروخ شامر است، این نیایش در بردارنده ستایش نام خداوند است و همچنین، ایجاد جهان توسط امر و فرمان خداوند [۷، ص ۶۷ و ۶۹]؛ اما از جمله قوانین آن لزوم توجه کامل هنگام خواندن نیایش است. در مقابل، برخی از نیایش‌ها - چنان که ذکر خواهد شد - توجه به معنا نه تنها ضروری نیست؛ بلکه تصریح می‌شود که به معنا توجه نشود، یهودیان به پذیرفته شدن آن ایمان دارند و دست‌ها را برای پذیرش فیض الهی می‌گشایند [همان، ۷۰].

اهمیت دادن به کلمه و تأثیر آن را در این قوانین به وضوح می‌توان مشاهده کرد. نیایشگر با اطمینان به اینکه این حروف واقعاً مقدس و در چهارچوب زبانی متفاوتی قرار دارند، آن‌ها را درک می‌کند. خواندن درست و تلفظ صحیح کلمات و قرائت آن‌ها در جای خود دارای اهمیت بسیاری در پذیرفته شدن نیایش در ذهن خواننده دارد. آنچه

نیایشگر می‌خواهد جز با رعایت این اصول به وقوع نخواهد پیوست. گویا کلمات ماناها و تابوهایی شده‌اند که در تدبیر و تکوین و تغییر امور نقش دارند. آن‌ها به‌طور عادی کارکردی در زندگی افراد ندارند؛ ولی نقش خود را در این گفتمان مقدس بازآفرینی و اجرا می‌کنند، نقشی که به تصور نیایشگر می‌تواند امور ناممکن را ممکن سازد.

۱۲. نتیجه‌گیری

یهودیت نخستین دین از ادیان ابراهیمی برای کلمه و به‌ویژه کلام خداوند که با آن جهان را آفرید، جایگاه مینوی، تکوینی و یا جادویی قائل است. در متون مقدس این دین آفرینش با کلام خداوند صورت می‌گیرد و کلام او امری متشخص و انسان‌وار معرفی می‌شود. در یهودیت به سبب اینکه خدا موجودی متعالی و دست‌نیافتنی است؛ بنابراین، برای آفرینش جهان مادی واسطه‌ای مطرح می‌شود که کلام اوست. در برخی متون مانند متون ترگومی واسطه ممرا نامیده می‌شود. خداوند آنچه می‌خواهد بیافریند را با کلام خود می‌گوید و آن همان طور که می‌خواهد، می‌شود.

کلام او می‌آفریند، نگاه می‌دارد و نابود می‌سازد. کلامش در این جهان از سوی او حضور می‌یابد، با انبیائش سخن می‌گوید، انسان را راهنمایی می‌کند و فرمانش را به گوش آن‌ها می‌رساند. خواندن دعاها و نیایش‌ها را یهوه از آن خود معرفی می‌کند و خود را آفرینندهٔ ثمرهٔ لب‌ها می‌خواند. اهمیت الفاظ خاص در دعا، نه ترجمه یا مفهوم و مصداق آن‌ها، آن قدر مهم است که خواندن دعایی با اشتباه یا خطای لفظی و یا جانداختن بخشی از آن، نیایشگر را مجبور می‌کند آن را دوباره بخواند یا برای تصحیح و پذیرش دعایش کار دیگری انجام دهد.

در متون مقدس یهودی نام به مثابهٔ هویت فرد تلقی می‌شود و زمانی که نامی به شخصی یا چیزی داده می‌شود، آن موجود مطابق با نام عمل می‌کند و سرنوشتش مطابق با آن رقم می‌خورد. باور بر این است که اگر کسی نام حقیقی آن‌ها را به دست آورد، می‌تواند بر آن‌ها تسلط یابد و از آن‌ها بخوبی یا بدی استفاده کند.

نام خداوند، به‌ویژه صورت گفتاری و لفظ اسم اعظم او جایگاه بی‌بدیل دارد؛ ازین‌رو، تلفظ نام خداوند در یهودیت ممنوع بود و تنها کاهن بزرگ می‌توانست آن را یک بار در سال بر زبان آورد؛ در نتیجه، نام دیگری (آدونای) را برای مخاطب‌ساختن یهوه برگزیدند و تلفظ اصلی یهوه فراموش شد.

بر زبان آوردن کلمات، به‌ویژه کلمات دعایی و نیایش‌ها در یهودیت دارای اهمیت خاصی است. هر کلمه‌ای که در نیایشی بر زبان آورده شود، باید با رعایت اصول همان نیایش باشد و جانداختن یک واژه یا تلفظ اشتباه آن می‌تواند کلّ دعا را زایل سازد؛ بنابراین، نیرویی در هر کلمه وجود دارد که نیایش را مؤثر می‌سازد و ارادهٔ یهوه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

منابع

- [۱]. آرمسترانگ، کرن، (۱۳۸۶)، *دگرگونی بزرگ: جهان در زمان بودا، سقراط، کنفوسیوس و ارمیا*. ترجمه ع. پاشایی و نسترن پاشایی. تهران: انتشارات فراروان.
- [۲]. بلوکباشی، علی. (۱۳۸۸)، «جادو و مردم‌شناسی»، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۱۶ (مدخل جادو)، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- [۳]. پورحسن، قاسم، (۱۳۸۴)، *هرمنوتیک تطبیقی بررسی همانند فلسفه تأویل در اسلام و غرب*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۴]. فریزر، جرج جیمز، (۱۳۸۳)، *شاخه زرین: پژوهشی در جادو و دین*، ترجمه: کاظم فیروزمند، تهران: انتشارات آگاه.
- [۵]. قرآن کریم، (۱۳۷۳)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- [۶]. کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، (۱۹۸۷)، ترجمه انجمن مقدس ایران، ایران.
- [۷]. *نیایش‌های روزانه یهود*، (۱۳۸۲)، ترجمه: یونس حمامی، تهران: انجمن کلیمیان ایران.
- [۸]. ولفسن، هری اوسترین، (۱۳۸۹)، *فلسفه آبابی کلیسا*، ترجمه: علی شهبازی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- [۹]. هایلر، فردریش، (۱۳۹۲)، *نیایش پژوهشی در تاریخ و روانشناسی دین*، ترجمه: شهاب‌الدین عباسی، تهران: نشر نی.
- [۱۰]. هینلز، جان آر.، (۱۳۸۶)، *فرهنگ ادیان جهان*، ترجمه گروه مترجمان، ویراستار ع. پاشایی، انتشارات دانشگاه ادیان مذاهب.
- [11]. Brown, Colin, (1975) , *The New International Dictionary of New Testament Theology*, The Zondervan Corporation Grand Rapids, Michigan, U. S. A. and The Paternoster Press, Ltd. Exeter, Devon, U. K., (Downloaded from Bookfi. org)
- [12]. Edgell, Beatrice, *Encyclopedia of Religion and Ethic*, (1980) Edited by: James Hastings, New York: T&T Clark.
- [13]. Fossum, Jarl E., (1985). *The Name of God and the Angel of the Lord (Samaritan and Jewish Concepts of Intermediation and the Origin of Gnosticism)*, Tiibingen: Mohr., (<http://en.bookfi.org/>, access date: 2013/08/03)

- [14]. Frazer. James George, (1918) , *Folk-Lore in the Old Testament: Studies in Comparative Religion, Legend & Law*, Now in Public Domain. (www.creationism.org/ accessdate: 2013/11/30)
- [15]. Jackson, J. B., (1908) , *A Dictionary Of the Proper Names of the Old and New Testament Scriptures, being and Accurate and Literal Translation from the Original Tongues*, Boston. (<http://en.bookfi.org/>, access date: 2013/11/30)
- [16]. Pumphrey, Nicholas Benjamin, (2009) , *Names and Power the Concept of Secret Names in the Ancient Near East*, Thesis Submitted to the Faculty of the Graduate School of Vanderbilt University, Nashville, Tennessee, May.
- [17]. *Sepher Yetzirah*, (1996) Translated by: William Wynn, Westcott, Holmes Publishing Group. (<http://en.bookfi.org/book/1069781>, access date: 2013/11/15)
- [18]. Tyson, Donald, (2004) , *The Power Of The Word The Secret Code Of Creation*, Llewellyn Publications, (<http://en.bookfi.org/book/1096429>, access date: 2013/08/03) .
- [19]. Van Kooten, George H., (2005) , *The Creation of Heaven and Earth (Re-interpretations of Genesis 1 in the Context of Judaism, Ancient Philosophy, Christianity, and Modern Physics)* , Brill, Leiden, Boston,. (<http://en.bookfi.org/book/830276>, access date: 2013/08/03.)
- [20]. www.jewishencyclopedia.com/articles/10618-memra, (access date: 2013/3/15.)